

داستان زن معتادی که مردی معلولی را به قتل رساند

2 آذر 1401

زن معتاد که متهم است با ربودن و حبس مردی معلول در یک اتاقک باعث مرگ او شده، بزودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

رسیدگی به این پرونده از دی ماه سال گذشته با گزارش زن میانسالی که مدعی بود پسر 30 ساله‌اش به نام شاهرخ ناپدید شده، آغاز شد.

وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: پسر شاهرخ از زمان تولد دو پا نداشت. او در این سال‌ها برای کمک مالی به من در حوالی خیابانی در جنوب شهر دستفروشی می‌کرد. حدود یک ماه قبل پسر من از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. هر جا که فکرش را می‌کردم به دنبالش گشتم اما او را پیدا نکردم، تلفن همراهش هم از همان روزی که ناپدید شد خاموش شده. خیلی نگران هستم و می‌ترسم برایش اتفاقی افتاده باشد.

پس از ثبت شکایت از سوی زن میانسال، مأموران پلیس تحقیقات‌شان را برای یافتن ردی از شاهرخ آغاز کردند. در حالی که مأموران به دنبال سرخی از این فرد معلول بودند مردی در تماس با پلیس عنوان کرد که جسد مرد معلولی در باغش واقع در یکی از روستاهای شهرری افتاده است.

با این گزارش مأموران به محل اعلام شده اعزام شدند و مشخص شد جسد متعلق به شاهرخ است و با دستور قضایی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

صاحب باغ در توضیح ماجرا گفت: در باغ من اتاقکی وجود دارد که چند ماه قبل آن را به زن جوانی به نام نسرين دادم تا بی‌سرپناه نباشد. مدتی بود که به باغم سر نزده بودم تا اینکه امروز وقتی وارد باغ شدم بوی تعفن شدیدی آزارم داد. وقتی به دنبال منشأ بو رفتم با جسد جوان معلولی مواجه شدم که ظاهراً داخل اتاقک محبوس شده بود و بعد هم موضوع را با پلیس در میان گذاشتم.

پزشکی قانونی هم در گزارشی اعلام کرد: «مرگ شاهرخ بر اثر گرسنگی و تشنگی بوده و چند روزی از فوت او گذشته است.»

با افشای این ماجرا، مأموران ردیابی نسرين را در دستور کارشان قرار دادند و در نهایت با ردیابی تلفن همراه شاهرخ توانستند او را شناسایی و دستگیر کنند.

نسرين پس از بازداشت در ابتدا قصد داشت تا خودش را بی‌اطلاع از ماجرا نشان دهد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت مجبور به اعتراف شد و گفت: چند سالی است که به مواد مخدر اعتیاد دارم. یک روز برای خرید مواد به میدان شوش رفته بودم که شاهرخ را دیدم.

سر صحبت را با او باز کردم و بعد به خاطر اینکه پول مواد نداشتم تصمیم گرفتم با ترفندی وی را به باغ ببرم تا بتوانم گوشی و سیمکارتش را سرقت کنم و با پول آن مواد تهیه کنم. وقتی به باغ رسیدیم شاهرخ را در اتاقک زندانی کردم و گوشی و سیمکارتش را دزدیدم، بعد هم به دنبال مواد رفتم. ولی فکر نمی‌کردم این کارم باعث مرگ او شود.

پس از روشن شدن ماجرا، مادر شاهرخ با ثبت شکایتی خواستار قصاص زن معتاد شد و با تکمیل

تحقيقات و صدور كيفرخواست پرونده براي رسيدگي به شعبه دهم دادگاه كيفري يك استان تهران
فرستاده شد تا محاکمه شود.